


نکات تکمیلی دوم:

آدمها در برابر رنج رفتارهای متفاوتی انجام میدن 

- این رفتارها به پنج دسته تقسیم می شوند


- اول فراری ها

- دوم خمودها

- سوم ناراضی ها

- چهارم شاکر ها

- پنجم قَدَر ها

فراری ها؛ 

کسانی هستند که رنج شون رو رها میکنن ، شاید باقی بمونن اما با رنج شون اضافه نمیشن ، حتی نسبت به اون رنج متنفر میشن

مثال 


خانوم یا آقای که با همسرش مشکل داره ، به جای بگرده دنبال علت ، بایسته و مشکلش رو حل کنه ، رشد کنه و خودشو قوی کنه (صفت قوی کردن) ، میره دنبال یک زن یا مرد دیگه

این فرد از رنجش فرار میکنه ، درسته با همسرش تو یه خونه زندگی میکنه ، اما وقتی سرش یه جای دیگه گرم میشه و داره از یک جای دیگه انرژی دریافت میکنه در واقع داره از رنج فرار میکنه ، به رنجش بی تفاوت شده

✓ بچه ای که با خانوادش مسئله داره ، بخاطر رها شدن از وضعیتش زود ازدواج میکنه ، این آدم تو زندگی بعد خودش هم مشکل پیدا میکنه !!! چرا ؟ چون علت رو پیدا نکرد و از رنجش فرار کرد

✓ خیلی از طلاق های ما هم مال اینکه طرف خودش رو دست کم میگیره ، فکر میکنه دیگه نمیتونه به این زندگی ادامه بده ، به خاطر همین جدا میشه ، خدا میگه طلاق جزء حلال های ناپسندیده و مکروهه یعنی حلالی که مورد پسند نیست
(کسی که خودش اصرار به طلاق گرفتن داره ، نه کسی که طلاقش میدن)

✓ آدم های خیلی عصبی هم از رنج فرارین ، تا کوچک ترین اتفاقی براشون میوفته که به مذاقشون خوش نیاد شروع میکنند به داد و بیداد و هوار کردن ، اذیت کردن خودشون و دیگران
خُب عزیز من یکم رنج تحمل کن ، چرا نمیتونی یکم ! یکم ! یکم ! تحمل رنج داشته باشی ؟؟


خمودها ؛ 

کسانی هستند که با رنج فقط می سوزند و می سوزند و می سوزند ، ساخته نمی شوند ، از دسته اول بهترن ، اما خب غرغر زیاد میکنن ، فشار ذهنی بالایی دارند ، افسردگی پیدا می کنن ، هیچ مقاومتی نسبت به رنج ندارن

کسانی که آنقدر رنج را توی ذهنشون بزرگ می کنن و به خودشون فشار میارن که نابود میشن ، به افسردگی و پوچی می رسن ، خمودی شدید ، ضعف شدید بدن ، بیماری های صعب العلاج

مثال 

- خانومی که فرزندش خودکشی میکنه و خانوم شب هفت پسرش ایست قلبی و فوت میکنه

 ناراضی ها ؛


-ناراضی ها کسانی هستند که رنج رو تحمل میکنن ، سکوت میکنن ، اما غرغر و ناشکری درونی و بیرونی هم دارن !!

اما خب ، باز لولشون از دسته اول و دوم بهتره

- مثل دسته اول و دوم تیشه برنداشتن بزنی به روح و جسمشون و نابودش کنن


- گاهی خوشحالند ، گاهی انرژی شدید دارند ، گاهی خیلی شاکرند ، گاهی حالشون خوبه ، گاهی ناراحتن ، خیلی از اوقات شکرگزاری می کنن و تحمل می کنن ، گاهی خیلی سخته میگیره ، گاهی رها میکنه

- این دسته ناراضی ها خیلی بهتر از خمودها و فراری ها هستند

 شاکرها (مثبتها) ؛

اینها سختی تحمل می کنند و ساخته میشن ، سخت نمی گیره ، رهای ایجاد می کنه ، البته گه گاهی اندوهگین میشن ، اما اصولاً راضی شاکره خیلی به مسائلش فکر نمیکنه ، سعی میکنه سر خوش باشه پذیرای رنجشه ، سطح رشد خودش رو بالا میبره ، حال درونش رو بهتر میکنه ، به اینها میگن سر خوش ساده

تعدادشون کمه ، این ها ساخته می شن اما به اندازه یه ساختمون نه اندازه ی یه برج

قدرها ؛ (مثبتها)؛ 


جانم به قدرها ، اینها برج می سازند از شخصیت خودشون ، برجهایی که نمای تاریخی میشه در کشور برای تمام تاریخ ، مثل سردار سلیمانی ، امام خمینی ، اینها هم تحمل رنج ، هم ساخته شدن با رنج ، هم رشد کردن ، هم راضی بودن ، هم شاکر بودن ، هم لذت بردن ، هم فولادی بودن و هم کنار رشد خودشون بقیه رو هم رشد میدن ، اینها بر رنج شون سوار میشه ، از رنجشون رد می شن ،


اما اینها نادرند تو جهان ، تعدادشون خیلی کمه ،

- تکلیفش با خودش معلومه

- رنجش معلومه

- همش دنبال رنج اختیاریه ، بدون اینکه کسی کوکش کنه ، بدون اینکه از جایی رنج داشته باشه میدوه میره رنج بقیه رو حل کنه ، سرش درد میکنه برای گشایش رنج دیگران ، این دسته خیلی کمیاب هستند ، البته خدا رو شکر روز به روز دارن اضافه تر میشن

این پنج دست چه اتفاقی براشون میوفته؟! 

فراری ها ؛ 

- کاهش خیلی زیاد صفت

- افزایش رنج اجباری خیلی زیاد

- حال درونش خیلی بد ، فرداش از امروز خیلی بدتر ، خیلی بدتر ، صرفاً نه فقط مالی همه بیرونی هاش

✓ خمود ها؛

- کاهش صفت دارن نه به اندازه دسته اول
- رنج اجباریشون زیاد نه به اندازه دسته اول
- حال درونیش بده نه به اندازه دسته اول
- فرداش از امروزش بدتر نه به اندازه دسته اول

✓ ناراضی ها ؛

- به خاطر نوسانی که دارند خیلی بالا پایین میشن
- شکرگزاری هاشون با ناراضیاتی هاشون با هم میره
- میشن دسته راکدها = یعنی ۳۰ سال زندگی کرده هیچ صفتش اضافه نشده
- رنج های اجباری هم تغییر نکرده همونی که بود
- حال و اوضاع همونیه که بوده

✓ شاکر ها

- هم افزایش صفت دارند
- هم رنج اجبارهاشون کم میشه
- هم حالشون بهتره از قبل میشه
- هم روز به روز از تمام لحاظ حالشون بهتر میشه

✓ قدرها

- بسیااااار افزایش صفت دارند

- بسیااااار اهل رشد هستند

- حتی به دیگران هم کمک می کنند تا مقاوم تر بشن

- کار امام خمینی این بود تو جهان ، از رنج خودش رد شده و دست بقیه رو هم میگیره

تو هم پاشو و ایستا ، تو هم قدرشو ،

- رهبرم کارش همینه ، خودشون قدر شدن و دارن کمک میکنن ما هم قدر بشیم ، به اندازه توانایی هامون کار با قانونمون رو بالاتر ببریم

👉 حالا شما جزو کدام دسته از این آدمها هستین؟؟

فراری ها؟؟ خمودها؟؟ ناراضی ها؟؟ شاکرها؟؟ قدرها؟؟

- خیلی تلاش کن به قدرها برسین ، به دسته پنجم ها ، در امر ظه

- اگه جزء این دسته نیستی ، عاشق این دسته هستی؟

- دلت میخواد جزء این دسته باشی؟

- اگه نیستی !! هوس بودن تو این دسته تو دلت افتاده؟

- هی از ته قلب به خدا ارسال کنی که منم می خوام ، منم می خوام جز دسته قدرهای کره زمین باشم

- اصلا خوشحالی تو ارسال می کنی که تو کشوری متولد شدی که زمینه ساز ظهور حضرت مهدی اند ؟

- خوشحالی تو ارسال می کنی که بیشترین سپاه مهدی ، بیشترین قدرهای جهان تو کشورت هستن ؟

- کیف می کنی از اینکه تو کشوری هستی که آدمهای جهان در دسته ۱ و ۲ و ۳ هستند ولی کشور تو بیشترین تعداد رو در خودش داره که جزء دسته ۴ و ۵ هستند ، خوشحال هستی بابت این؟؟


- خدایا شکر ، خدایا شکر ، خدایا شکر

با دستهای رو گونه ام شکر میکنم

- خدایا شکر منو جزء ایرانیهای شاخص متولد کردی


- خدایا شکر که جزء موثرترین ظهور هستیم

خدایا شکر که جزء هم وطنهای ایرانی هستم

سوال ؛ 

- آیا میشه ندونی که رنج اجباری از کجا آمده و همین طوری رنج اختیاری برداری برای حذف اون؟؟ بله

- آیا میشه رنج اختیاری که بر میداری نیت کنی برای از بین رفتن فلان رنج؟؟ بله

 خیلی مهم نیست برای رنج اجباریت چه مدل رنج اختیاری برمیداری ، مهم اینه

فشار رنجی که بر می داری ، اندازه فشار رنج اجباریت باشه

- ما دقیقا این کار رو تو دینمون به اسم نذر انجام میدیم

- عالی هم کار میکنه اما یک نکته

- ما در نذر داریم از نیروی یک امام ، نیروی اذکار ، نیروی ادعیه و نیروی قرآن استفاده میکنیم ، اما چون هیچ صفتی رو در درونمون تغییر نمیدیم ، خب دوباره یواش یواش تبدیل میشه به یه رنج اجباری دیگه

👉 پس هم از نیروی ائمه استفاده کن و هم تمام همتت رو جمع کن یک صفت ناخوبت رو تغییر بدی ، تا دوباره به خاطر بازتاب منفی اون صفت ، به رنج اجباری کشیده نشی

✓ مثال ؛

- خانوم فکش رو عمل میکنه ، چون اصلا ظاهر جذابی نداشته ،

پول عمل با نذر جور میشه و عمل میکنه ،

۲۰ سال بعد این خانوم دختری رو داره که ، بسیار چاق ، سیگاری ، راحت طلب شدیده ، خب ببین ، رنج نظر دیگرانش تبدیل شد به این رنج

- بهتر این بود همزمان با نذر رو از بین بردن صفت منفی نظر دیگرانش هم کار میکرد

- براش مهم بود دیده بشه به خاطر خدا ، جذاب تر دیده بشه به خاطر دینش نه نظر دیگران و حالا در کنارش تکرار مثبت و تلقین اینکه من آدم جذابییم ، آدم بودن من قیمتی تو جهان ، ویژه بودن من به خاطر انسان بودن منه ، این میشد یه کار دو سر سود

✓ مثال ؛

خانوم دیگه ای با همسرش داشت ، متوسل میشه به ائمه

مشکلش حل میشه ، بعد مامانش سخته میکنه ، تمام کارهای مامانش میوفته رو دوشش ، دوباره توسل به ائمه و حل مشکل ، دوباره بی دینی فرزندش و توسل به ائمه و حل مشکل

- خب عزیز من تا کی میخوای با توسل مشکلاتت رو حل کنی؟؟ بیا در کنارش صفت قوی کن

👉 غیر نیروی خدا ، ائمه ، قرآن و ادعیه ، چیز دیگه ای نمی تونه قدرت درونی به ما بده و تحمل ما رو بابت رنج بالا ببره و به وسیله نیروی اونها مشکل گشا بشه تو زندگی ما

✓ مثال ؛

- خواهش می کنم مثل سردار سلیمانی ، یک ذره رو پای خودت وایستا و قوی شو

✓ مثال

- تفریح آقای کی یو جونگ کاره ، کاره ، کار ، اینقدری که از سختکوشی لذت میبره ، از هیچ چیز دیگه ای لذت نمی بره

- چرا ما لذت نمی بریم ؟

- ریشه اینکه از رنج لذت نمیبریم چیه؟؟

- ما خیلی تلقین لذت های راحت طلبی به خودمون میدیم

- تو قانون جذب ، هر جمله ای که به خودت تلقین میدی تو زندگی جاری میشه - پس به جای جملاتی که هی تلقین راحت طلبی تو زندگیت کنه ، به خودت کمک کن ، جملات آدمهای اهل تلاش ، آدمهای اهل سخت کوشی ، آدمهای قدر رو تکرار کن ،

- تکرار کن ؛ ارزش من به اینه که چقدر میتونم رو نفس خودم پا بزارم ، چقدر میتونم خودم رو مهار کنم

👉 مگه حضرت رسول « ص » نگفتن زور هر کسی به اندازه اونه که چقدر میتونه حال خودش رو بگیره؟؟

چقدر میتونی به نفس خودش مسلط بشه ،

👉 قدرت روحی آدمها به اینکه چقدر میتونه رو خودش پا بگذره

✅ دکتر حسابی می گفتند ، سلام کردن ، راه رفتن ، نشستن ، آداب داره

- پس تا میتونی به خودت جملات آدمهای اهل تلاش را تلقین بده


- وقتشه تلقیناتمون رو تغییر بدیم


👉 دو گروه آدم داریم

۱- آدمهای راحت طلب

۲- آدمهای اهل تلاش

👉 اگر آدمهای راحت طلب منفی بین باشند و رنج ها رو به ضرر خودشان حساب کنند و خداوند را به جای نفع دهنده ضرر رساننده ببینند رنج بر علیه آنها بزرگ می شود

هرچی رنج بزرگتر مفید بودنش بیشتره 


روایت داریم ؛ آدمی که از مصیبت کوچک بی تابی کنه به مصیبت بزرگ گرفتار
میشه 

این انسان سه تا مارک داره 

۱- راحت طلبه

۲- خدا را در رنج هاش حامی نمیبینه


۳- رنجش را ضرر رساننده میبینه

برعکس آدمهای اهل تلاش 

۱- در بلا خدا را نفع دهنده می بینند

۲- اهل تلاش هستند

۳- مثبت بین هم که باشند ، این مصیبت به طوری عجیب غریب به نفع آنها تغییر
می کند

آدم اهل تلاش و مثبت بین به رنج ؛ 

۱- با نگاه مثبت به اتفاق ها تمام فشار های اضافی و بارهای اضافی ذهنش رو
برمیداره (حذف بار)

۲- چون بارهای اضافی رو نگاه نمیکنه ، شدت رنج برایش آسون میشه

۳- رنج برآش مفید می‌شود ، تمرکز ذهنش بالا میره ، قدرت درونیش اضافه می‌شود و اطمینانش به خدا افزایش پیدا می‌کند

۴- اون رنج برآش لذت بخش می‌شود

گروه راحت طلب و منفی بین که رنج‌ها رو ضرر زننده به خودشون محسوب می‌کند

- در پله منفی (یک) ، با بارهایی که از رنج برای خودشون می‌سازد رنج رو چند برابر می‌کند

- در پله منفی (دو) ، شدت رنج برآش بیشتر می‌شود

- در پله منفی (سه) ، در اثر شدت رنج اوضاع روحی خودش رو هم می‌بازد و خودش هم ضعیف می‌شود بی انگیزه و بی انرژی می‌شود .

- در پله منفی (چهار) ، از زندگی کردن متنفر می‌شود و خسته می‌شود و حس خودکشی و افسردگی خیلی شدید بهش رو می‌آورد

👉 فرزند معاذ بن جبل فوت می‌کند و پیامبر صلوات الله علیه برآش نامه می‌نویسند با این مضمون ؛ بدان که بی تابی کردن نه مرده را برمی‌گرداند و نه تقدیر را دفع میکند پس به نیکی عزادار باش و نسبت به آنچه به تو رسیده و بر همه قطعی و تقدیر الهی هست ، تاسف نخور و وعده الهی را قطعی بدان

👉 جانم پیامبر ! سه تا پله را برای معاذ ترسیم کردند ؛

پله اول ؛ تاسف نخور بارهای اضافی ات را دور بریز

پله دوم ؛ به نیکی عزادار باش و آن را برای خودت آسون کن .

پله سوم و چهارم ؛ وعده الهی را قطعی بدون ، سود و جایزه داره برات و سودها رو ببین

👉 روز قیامت وقتی پاداش رنج رو میبینی و درجاتی که بابت رنج در دنیا دریافت میکنی ، به خدا میگی کاش زندگی ام همش رنج بود ، رنج دائم میدادی

👉 در روایت داریم ؛ به خاطر هر درجه اون دنیا حاضری روی زمین از رنج با قیچی قطعه قطعه بشی؛ فکر کن با قیچی تکه تکه بشی واسه یک درجه

👉 تو روایات داریم : برای هر رنجی که توی دنیا به خاطر اطاعتِ خدا میکشی خدا ۹۰۰ درجه بهت میده عزیزم

- چقدرررر همیشه کاسبی کنی !!!

👉 پیغمبر (ص) فرمودند ؛ اگر میدونستین در برابر سختی هاتون چقدر پاداش بزرگی براتون فراهم هست ؛ هرگز محزون نمیشدید

👉 پس زیاد به خودت تلقین بده:

- آخ جون درجه، آخ جون درجه،

👉 تو دنیای جاوید درجات بیشمار هست

👉 اصلا این دنیا که به چشم به هم زدنی تموم میشه ؛ به رنجهای این دنیات بگو زود گذره تموم میشه ؛ تموم میشه ؛ و به خودت تلقین بده جانم ، درجات دنیای جاوید

-خب جاوید که خیلی عظیم تر هست

👉 شما اینجا برای ۱۵ متر بزرگ تر شدن خونت ، ۵ سال تلاش میکنی ؛ رنج میکشی ؛ پس انداز میکنی ؛ تو که این قدر اهل حساب و کتاب هستی ؛ فکر کن ، چه حسرتی میخوری روز قیامت، که برای دنیای جاویدانت کم داشته باشی !!!

- پس از رنجت ناراحت نباش عزیزم

👉 پیغمبر (ص) فرمودند : اینجا خونه ی غم هست ؛ نه خونه ی سرور ، اینجا خونه ی دشواری هست ؛ نه خونه ی آسایش

👉 پس هر کی که اونو میشناسه؛ نه توی خوشی هاش سرمست میشه؛ نه توی ناخوشی هاش ، افسرده میشه

👉 پس هر کسی که ذات دنیا را بشناسه؛ اصلا به پله منفی ۲ نمیرسه؛ چه برسه به پله منفی ۳ و منفی ۴ و خودکشی و چه و چه

👉 آقای برای رفاه حال پدرش ، خودش را به سختی میندازه ؛ واسه رفاه حال پدرش، پنج شنبه و جمعه، واسش زمان میزاره؛ حموم ببردش و کارای پدرش را انجام بده

-پدرش خیلی ناتوان بوده و واسش خیلی دعا میکنه

-ایشون به فاصله ی زمانی خیلی کمی ، توی وزارت نفت ، یه پست حسابی دریافت میکنه

اصلاً ، ما ذاتاً دوست داریم ، دیگران به خاطر ما اذیت بشوند ، یعنی : این قدر به درجات بالا رسیده باشیم که، اون آدم به خاطر ما سختی بکشد

✓ مثال ؛

- خانومی میگفت : همیشه همسرم برای هفته اول عید شهرستانِ خودشون را انتخاب میکنه ، به من ارزش گذاری نمیکنه ، اصلاً برای من سختی نمیکشه

✓ مثال ؛


- آقای میگفت : همیشه برای دامادِ جدیدمون که مرفه تر هست ؛ منتظر میمونند و غذای بهتر میپزند ؛ ولی برای من نه

✓ مثال ؛

- خانوم دیگه ای میگفت : همسرم میدونه من امتحانات فوق دکترام سنگین تر هست ، ولی اصلاً حمایت نمیکنه

✓ مثال ؛

آقای میگفت : برای ازدوایم دختری را انتخاب کردم که خیلی دوستش دارم ؛ ولی خانواده ام اصلاً به خودشون سختی نمیدن به خاطر اینکه شرایط اون خانوم با ما خیلی متفاوته پا جلو بزارن

خب این آرزوی همه ی ماست که دیگران به خاطر ما سختی بکشن 

👉 ما این قدر محبوب باشیم که توی جمع ، مخصوصا توی خانواده جایگاهِ فوق العاده ای داشته باشیم

- چه طور میشه که این طوری بشیم؟

- چه کنیم دیگران برای ما اهلِ سختی کشیدن باشن؟

👉 از امام صادق (ع) داریم ؛ به هر میزان به هر میزان برای رشدت ، خودت را به سختی بیاندازی ، دیگران به خاطر تو خودشون را به زحمت میندازن

👉 ببین عزیزم : محبوبیت میخوای؟

میخوای بقیه خودشون را به خاطر تو به سختی بندازن؟؟ باشه؛ میشه

- پس به اندازه ی حمایتی که میخوای بشی برای رشدِ معنویت سختی بکش

-اون وقت ببین؛ چه طور دیگران خودشون را به پای تو میندازن

👉 ببین چه طور جوان ها خودشون را به پای امام خمینی ریختند؛ مگر امام خمینی برای رشد معنویتش چی کار کرده بود ؟ سختی زیاد کشیده بود

✓ مثال

-خانومی میگفت : ۱۱۵ ملیون تومان قرض داریم ، پدرشوهرم آدم مرفه‌ی هست و راحت میتونه این پول را بده ، اما اصلا این کار را نمیکنه ، به خودش سختی نمیده

خانوم شروع میکنه برای رشد معنویتش سختی کشیدن

۱- شستن ظرفهای شامش ، حتی اگر سر فیلم مورد علاقه اش بود

۲- نماز اول وقت و با تمرکز

- در عرض دو هفته بابت سختی ای که برای رشدش به خودش داد ، پدر شوهرش خیلی راحت بدون درخواست ، ۱۱۵ میلیون قرض ایشون را پاس کرد

"جانم قوانین"

مثال ؛

آقایی چهره ی زیبایی داشت و خوش هیكل بود ؛ اما اصلا از طرفِ همسرش دیده نمیشد

خانم های فامیل عاشقِ چهره و هیكل این آقا بودن ، اما برای خانومش اصلا مهم نبوده ، خب این شخص چی کار کنه که از طرف همسرش دیده بشه ؟

رشد معنوی برای درونش برداره ، خودش را برای رشدش به سختی بندازه و واسه رشدش ،

مثلا ؛ حذفِ غرور کنه ؛ چون داره غرور خودش را زیرِ پاش میزاره اون طرف محبوبیت به دست میاره

مثال ؛


آقایی عصبانیتِ شدید داشت ؛ نمیتونست خودش را کنترل کنه ، یعنی نمیخواست خودش را کنترل کنه و اصلا نمیپذیرفت که میشه خودش را کنترل کنه

ایشون پسر ۷ سالش توی دریا غرق شد ، یه پسرِ دیگش فروشِ مواد داشت و زندانی شد ، دخترش طلاق گرفت ، از طرف فرزندان درک نمیشد

این آقا دیابت گرفت و بعد تو سن ۴۵ سالگی فوت کرد

زهرا بلند همت شاد:

رنج برای رشد معنویت نکشید ، هی رنج اجباری های بیشتر از طرف اطرافیان بهش وارد شد ؛ درک که نشد ؛ تازه اذیت هم میشد

پس محبوبیت میخوای؟ 

میخوای دیگران به خاطر تو خودشون را به سختی بیاندازند ؟

رنج اختیاری برای رشد بردار

کسی شاید بگه که من سختی زیاد میکشم سه شیفت کار می کنم ، یاهمسر فحاشه ، خیلی سختی کشیدم ، سکوت می کنم ، اما تغییری حاصل نمیشه!

- مگه صبر بر رنج ، رنج اختیاری نمیشه؟؟

- مگه نتیجه نداره؟

- چرا ، همیشه رنج اختیاری نتیجه داره ، اما رنج اختیاری که رشد صفت توش داشته باشه

گاهی جلو همسر فحاشت سکوت کردی ، چرا ؟ چون حرف زدن برات سخت تر بوده از سکوت !!!


به به ، این سکوت شد راحت طلبی نه رنج !!


آقایی که سه شیفت کار می کنه از زمان همسر و فرزندش میزنه ، به اسم اینکه برای همسر و فرزندم دارم رنج می کشم ، شما بیجا می کنی !!


- ما تو دینمون به هشت ساعت کار سفارش شدیم ،


- تازه سفارش شدیم به خاطر رزق که از طرف خداست از وظیفه و عبادت نزن -
خدا بلده رزق تو رو برسونه تو اندازه وظیفه ات کارکن


- یعنی سه شیفت کار کردنش میشه راحت طلبی ، چرا؟؟ چون براش سخته بخواد
به رزق رسونی خدا توکل کنه ، راحتی که سه شیفت کارکنه

 خیلی از مواقع ما کارهایی میکنیم که در ظاهر رنج هستن ، اما در واقع در
باطنمون راحت طلبی نسبت به یک صفت هست

 یا برنامه واسه خودش گذاشته تفکر بعد از نمازش ، محاسبه ۱۵ دقیقه تو روزش
، بعد فرزندش رو میبره میرسونه مدرسه ، عزیز من اینکه راحت طلبیه

 یا برای جهیزیه دخترش داره فشار میاره به خودش ، این راحت طلبیه

 دو ساعت زمان گذاشته برای حل مشکل دیگران ، خُب بسه دیگه !! یه ساعت
هم واسه خودت وقت بذار ، رشد درونت رو افزایش بده ، همش دیگران ، دیگران ،
دیگران

 ما رنج زیاد میکشیم اما رنج بی قانون شب آرایش کرده خوابیده که صبح راحت
باشه !!! رنج بی قانون

👉 مرتاض های هندی روزانه ۸ عدد بادام می خورن که قدرت روحی خودشو کنترل کنه ، میتونه ها !!! اما !!!

👉 قدرتهایی که برای رنج های خارج از دینه ، به تو قدرت میده ، اما قدرت محدود نه نامحدود

👉 ولی قدرت با رنجهای اختیاری در دین تو رو نامحدود میکنه ، ازعرش و فرش رد میشی ، به قدرت خدای سلطان ،

👉 از مرزهای آسمان و زمین رد شوند مگر به نیروی سلطان (ایه ۳۳سوره الرحمن)

👉 رنج در دین

✓ مثال ؛


سر سفره غذا میخوره حواسشو جمع میکنه چی میخوره ، چرا میخوره ؟ چقدر باید بجوه ؟

- همه اینها رو داره تمرین میکنه تا قدرت درونی اش را بتونه کنترل کنه

👉 تو امریکا مدارس به وجود آمده که روی لباسهاشون نوشته شیرینی را کمی دیرتر بخور ، روانشناسان فهمیدن برای کشف هوش و استعداد های خودت باید به دلت غلبه کنی

👉 برای اینکه فرزندش هوشش بیشتر بشه جلوش شیرینی میذاره ، ولی باید کمی دیرتر بخوره

- باریک الله پارففسش رو بفشتر مفکنه ،


 روایت داریم به محض اینکه معده پربشه از غذا عقل میخوابه و برعکس معده ی خالی و سبک ، صاحب عقل و زیرکه


 سوال ؛

رنج اختیاری امتیازِ بیشتری داره یا رضایت و تسلیم و شکر به رنج اجباری ، کدومش؟

 مثال ؛


- داره تمرکز نمازش رو زیاد میکنه رنج اختیاریش مؤثرتره و بیشتره یا بابت اینکه توی محیط کارش تحویلش نمیگیرن ، رنج اجباریشه راضی میشه و با شکر خوبیهای محیط کارش رو میبینه و ذهنش رو قوی میکنه ؛ کدومش؟

 جواب ؛ هر جفت

 البته رنج اختیاری قبل از حضور رنج اجباری توانایی خیلی بالاتری داره

- ببینید صدقه ۷۰ تا بلا رو دور میکنه

- صدقه داده ، رنج اختیاری ، ۷۰ تا بلا هنوز نیومده ، حل شد

 روایت داریم ؛

- تولید شادی کردن در دل یه مومن مثل آب بر مصیبت سرازیر میشه ، بر مصیبتی که هنوز نیومده !!!

✓ نکته مهم ؛

- همیشه وسط رنج اجباری باشی ، با (رضایت ، صبر و تسلیم) اون رنج اجباری رو برای خودت اختیاری کنی ، رضایت ، صبر و تسلیم شما به اختیار خودتون هست ، پس در نتیجه همیشه با همون رنج ، امتیاز بالای رنج اختیاری رو کسب کرد

!؟ سوال ؛

- چرا گاهی از اوقات رنج اختیاری بر می داریم اما رنج اجباری هامون کاهش پیدا نمیکنه ؟؟

✎ جواب ؛

۱- رنج اختیاری رو برای افزایش رشد و صفت بر نداشته و با تمرکز انجام نداده

✓ مثال؛

- از بی دینی فرزندش رنج میکشه و تحمل میکنه ، اما این رنج هیچ صفتی رو در اون اضافه نمیکنه ، تحملش فقط برای درست شدن فرزندش هست و این ایراد داره

۲- رنج اختیاری رو بر میداره برای نتیجه ؛ فقط رنج میکشه اون درست بشه

✓ مثال ؛

- چله زیارت عاشورا برداشته ، ذکر برداشته ، خودشو محاسبه میکنه تا بچش درست بشه !! خب این ایراد داره ، تو قراره خودت درست بشی

۳- اندازه ی انرژی رنج اختیاریش هنوز برابر نشده با اثر منفی رنج اجباریش

✓ مثال ؛

- ۳۰ میلیون رنج منفی تولید کرده و همسرش اعتیاد پیدا کرده

حالا خانوم چله زیارت عاشورا و یس برداشته

- خب عزیز من ، میزان انرژی چله ای که برداشتی خیلی کمیتره از منفی که تولید کردی

۴- گاهی از اوقات میزان انرژی رنج اختیاری که ما برداشتیم برای حذف مسئله من ،
میره برای حذف رنج اجباری هایی که هنوز نیومده

✓ مثال ؛

قرار بوده سه ماه دیگه همسایه ی ناخوب براش بیاد که دخترش بی اعتقاد بشه یا
روابط ناجور پیدا کنه یا

حالا با انرژی این رنج اختیاری که برداشتی اون رنج اجباری که هنوز برات نیومده
حذف میشه

!؟ سوال ؛

- ما از کجا بفهمیم انرژی این رنج اختیاری که ما برداشتیم ، رفت برای حذف رنج
اجباری نیومده؟؟

☞ جواب ؛

- ما روایت داریم ؛ خیلی از رنج های اختیاری که ما می کشیم برداشته میشه برای
حذف بلا و مصیبت های ما که قراره اتفاق بیفته

- البته در روایات کلمه رنج اختیاری نیست ، در روایات اومده اعمال حسنه ای که ما
انجام میدیم باعث میشه گرفتاریهای ما حذف بشه

۵- داره صفات ما رو قویتر میکنه ،

اصلا گاهی از اوقات قراره تو با رنج اجباری که برات به وجود میاد در درونت ، صفتی قوی بشه

✓ مثال ؛

آقا پسری ۳۶ سالشه و هنوز ازدواج نکرده - هی رنج اختیاری برمیداره ، حدیث کساء میخونه ، میره زیارت امام حسین ، گره گشایی از دیگران ، محاسبه ، تفکر و ... کارهای دیگه اما رنجش همچنان هست

آقا!!! تو قراره با وجود این رنج اجباری صفت آسون گیری در امر ازدواج درونت قوی بشه و تا این صفت درونت تولید نشه ، رنج اجباری ازدواجت حل نمیشه

✓ مثال ؛

- حضرت یوسف درون زندان باید صفت توکل به خدای صدم درصد می شد که رنج زندان براش حذف بشه

👉 ما به این صفتهایی که قراره از این رنج اجباریها به وجود بیاد ، برای زندگیمون بهش احتیاج داریم

!؟ سوال ؛

- به چه دلیل گاهی رنجهای اختیاری ما رنج اجباری ها رو حذف نمیکنه؟؟

➡ جواب ؛

۱- دلیل رنجت افزایش صفت نیست

۲- منتظر هستی و رها نیستی


۳- انرژی رنجت برای رنج اجباریت کمه

۴- گرفتاری‌های نیومده رو داره حل میکنه

۵- یه صفت قراره درونت اضافه بشه

مثال ؛

- آقای ملکی تبریزی که یه آقای اعیون بوده با حذف غرور مقابل برخورد استادش آقای حسینقلی همدانی به درجات بالایی میرسه

پس رنجهای اختیاری ما صد در صد رنج اجباریه ما رو از بین میبره ، به شرط 
افزایش رشد و صفت درونمون 